

مجله علمی تحقیقی بین المللی علوم اسلامی
مجله دراسات اسلامیه، عالمیه، علمیه، محکمه
Uluslararası İslami Araştırmalar Dergisi
International Journal of Islamic Studies

دیوان

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۳ شماره: ۰۱ سال: ۱۴۰۰

Volume: 3 Issue: 1 Year: 2022

پس از یک محدث بزرگ: شعيب الارنوط (۱۹۲۸-۲۰۱۶)*

بعد محدث الشهير شعيب الأرناؤط (۱۹۲۸-۲۰۱۶)

Bir Büyük Muhaddisin Ardından: Şuayb el-Arnaût; (1928-2016)

After a Great Narrator of Mohammad's all Saying, Deeds and Approvals; Shuaib Alarnavut
(1928-2016)

Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2022.18>

پروفیسور دوکتور انبیا یلدرم*

مترجم: سید لقمان سادات*

Bu makale, Turnitin yazılımınca taranmıştır.

İntihal tespit edilmemiştir.

This article has been scanned by Turnitin. No

plagiarism detected.

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین (Turnitin) بررسی شده

(plagiarism) یا سرقت ادبی تثبیت نگردید.

قد خضع المقال لبرنامج فحص الانتحال (Turnitin) و لم

يثبت أنه من السرقات الأدبية.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

انبیا یلدرم، " پس از یک محدث بزرگ: شعيب الارنوط (۱۹۲۸-۲۰۱۶)", مترجم. سید لقمان سادات، مجله

دیوان ۱/۳ (جلدی ۱۴۰۰)، ۷۹-۸۶.

Atif

Enbiya Yıldırım, " Bir Büyük Muhaddisin Ardından: Şuayb el-Arnaût; (1928-2016)", Mütercim. Seyyid Lokman Sadat, *Diwan Dergisi* 3/1 (Ocak 2022), 79-86.

* این مقاله در مجله علمی تحقیقی علوم اسلامی در جلد ۳۶ شماره ۲۱۵ سال ۲۰۱۶ به چاپ رسیده است.

* استاد دانشکده شرعیات دانشگاه انقره / ترکیه.

* ORCID ID: 0000-0001-7955-2323

شعیب الارنؤوط (۱۹۲۸-۲۰۲۱)

شعیب الارنؤوط که نامش را همه دست اندرکاران علوم اسلامی می شناسند و دست کم یکی از آثارش را در قفسه کتابخانه خود دارند، روز پنج شنبه ۶ مهر ۱۳۹۵ در سن هشتاد و نه سالگی در عمان درگذشت. بدون تردید او با آثارش که بیش از ۳۲۰ جلد است و بیشتر آن در مورد حدیث بوده و تمام علوم اسلامی را در بر می گیرد، شایستگی آن را دارد که به عنوان یکی از محدثان و محققان برجسته عصر ما پذیرفته شود. دلیلش این است که چنین یک تحقیق بزرگ هیچ یکی از محققان حدیث را نصیب نشده است.

آغاز زندگی در دمشق

"شعیب بن محرم الارنؤوط" از خانواده‌ای با نام خانوادگی شاهین می‌آید که اصالتاً اهل آلبانی، اسکودر هستند. پدرش محرم بیگ، یکی از مسلمانانی که تحت فشار حکومت احمد زوگو در آلبانی قرار گرفته بود، در سال ۱۹۲۶ با خانواده اش به همراه نوح نجاتی الالبانی، پدر محدث مشهور ناصرالدین الالبانی، به دمشق مهاجرت کردند. استاد شعیب در سال ۱۹۲۸ در اینجا به دنیا آمد. پدرش که تحصیلی نداشت، چون روی تربیت دینی پسرش بسیار حساس بود، او را به صحبت های دینی با خود می برد.

ارنؤوط که در جوانی تحصیلات خود را با علوم شرعی آغاز کرد، تحصیلاتش ۱۵ سال را در بر گرفت وی در این مدت از اساتید مشهور دمشق در زمینه های مانند صرف، نحو، بلاغت، ادبیات و غیره آموزش می بیند. سپس کتب مقدماتی در علوم مانند فقه، تفسیر و حدیث را می خواند. سلیمان غاوجی الالبانی، نوح نجاتی الالبانی اسمش که در بالا ذکر شد، عارف دُوجی، ادیب کلاس و محمد صالح فرفور، از جمله استادانی او هستند که در رابطه به کمال رسیدن خود بیشترین بهره را از آنها برده است. به خصوص فرفور معلم اوست که سهم زیادی در تربیت او دارد. ارنؤوط در کنار دستاوردهای علمی، ویژگی بارز دیگری هم داشت: جوانانی که از کشورمان برای تحصیل علم به سوریه می رفتند، امکان اقامت رایگان در خوابگاه را فراهم می کرد و همه مایحتاج زندگی شان را تامین می نمود. محمد ساواش، پروفیسور دکتر عصمت ایرسوز، استاد سلیمان بایبارا، دکتر زکریا ییلماز، دکتر نوح ساواش، جاهد کوتلو، ناسوف یایلاگل، حسن ساین، عمر بیرلی، عثمان ایرن، تنها تعدادی از استادان ما هستند که در اینجا آموزش دیده اند.

روی آوردن به علم حدیث

چیزی که بیش از همه در دوران تحصیل فقه، تفسیر و حدیث مورد توجه ارنؤوط قرار گرفت و احتمالاً در دوره بعدی تأثیر بسزایی در زندگی علمی وی می داشت، کمبودهای آشکار اساتید و سایر افراد در تشخیص احادیث صحیح و

غير صحيح، بود. آنها بیشتر در زمينه فقه صاحب دانش بودند و علمشان در تفسير و حديث سطحی بود. از آنجا که آنها در سنت تقلید پرورش یافته بودند، به اطلاعات و روایات کتب فقهی سخت پایبند بودند.

علاوه بر این، آن ها هم در سخنرانی ها و هم در بحث های فقهی در مجالس خود از احادیث ضعیف و موضوعی استفاده می کردند. خطیبان و واعظان نیز اکثرا احادیث ضعیف و موضوعی را از کتبی که به صحت روایات توجهی نداشت به راحتی نقل می کردند. در واقع دانش آموزان نیز این گونه تربیت می دیدند. این وضعیت باعث شد برای استاد ارنؤوط این فکر را به وجود آورد که باید این خالیگاه پر شود و استنادگاه های مردم مستحکم باشد.

در دوره ای که این فکر در ذهنش نشست، نسیم تحقیق در جهان اسلام شروع به وزیدن کرده بود. آثار افرادی مانند احمد محمد شاکر، راغب الطباخ، رشید رضا، الساعاتی، احمد الغماری و نصیرالدین الالبانی تقاضای زیادی داشت. ارنؤوط نیز تحت تأثیر این موضوع قرار گرفت.

ورود به ساحه تحقیق

استاد شعيب با وجود سن کم، زمانی که متوجه کمبودهای موجود و تأثیرگذار بودن مطالعات تحقیقی خود شد، تصمیم گرفت زندگی خود را وقف این رشته کند. او به پیشنهاد زهیر شوايش، صاحب المكتبة الاسلامی، معهد الفتح الاسلامی را که در آنجا به سرپرستی استادش فرفور کار می کرد، ترک کرد و در سال ۱۹۵۹ در محل جدید خود مشغول به کار شد. در اینجا سرنوشت او را با هموطنش محمد ناصرالدین الالبانی و عبدالقادر ارنؤوط کوزوئی در یک محیط گرد هم آورد. این سه نفر در اتاقی که در کتابخانه ظاهره به آنها اختصاص داده شده بود به کار خود ادامه دادند.

پس از مدتی، دانش عربی شعيب ارنؤوط سبب شد تا سرپرستی گروه تحقیق انتشارات را بر عهده بگیرد. از این پس کتاب های مورد بررسی تیم را که متشکل از بیش از ده نفر از جمله عبدالقادر ارنؤوط است، خودش انتخاب و روش های مطالعه را تعیین و کارها را پیگیری دقیق می نمود. در حالی که خودش نیز تحقیقات انجام می داد. از سوی دیگر، البانی در برابر اخذ اجرت معینه از بیرون، به تحقیق خود در انتشارات ادامه می داد.

ارنؤوط حدود بیست سال در المكتبة الاسلامی ماند و در آنجا در بررسی هفتاد و دو جلد اثر اساسی شرکت کرد. شرح السنة البغوی (شانزده جلد)، زاد المسیر فی علم التفسیر ابن الجوزی (نه جلد)، روضات الطالبین نووی (دوازده جلد)، المبدع فی شرح المقنع ابن مفلح (ده جلد) و المهذب الأغانی ابن منظور (دوازده جلد) از جمله این موارد است.

پس از ترک اینجا در سال ۱۹۷۷ به مؤسسه الرساله نقل مکان کرد و تا زمان مرگش در آنجا ادامه داد. او تجربه زیادی در زمینه تحقیق داشت. در مقایسه با همتایان خود در سوئه بسیار بالا قرار داشت. در اینجا نیز رئیس واحد تحقیق شده. روش کار تیم و مسیری که باید طی شود را مشخص کرد و کار را از ابتدا تا انتها دنبال نمود.

در نهایت او نیز مانند بسیاری دیگر مجبور به ترک سوئیه شده. در واقع او در جریانات سیاسی حضور فعال نداشت، اما موضع گیری داشت. علاوه بر این، کاری را که وی انجام می داد او را مجبور می کرد که دائماً با خارج از کشور در تماس باشد. حوادث ناگواری که در این چارچوب رخ داد به او اجازه نداد بیشتر در سوئیه کار کند. در سال ۱۹۸۲ حتی کتابخانه خود را فروخت و به عمان مهاجرت کرد. یکی از دلایل اصلی انتخاب اردن بر این بود که مرکز اصلی مطالعه مؤسسه الرساله در اینجا قرار داشت. انتشارات بعداً به دو قسمت تقسیم می شود و استاد شعیب با مؤسسه الرساله العالمیه به راه خود ادامه می دهد.

اقامت وی در اردن برای او و جهان اسلام مایه خیر و برکت بوده. او زیباترین آثارش را در زمینه تحقیق و به عبارتی بیشتر کتاب هایش را اینجا تهیه کرده. سیر أعلام النبلاء ذهبی (بیست و پنج جلد)، الاحسان فی تقریب صحیح ابن حبان ابن بلابان (هجده جلد)، العواصم والقواصم ابن وزیر الیمنی (نه جلد)، زاد المعاد ابن القیم (پنج جلد)، مسند احمد بن حنبل (پنجاه جلد)، شرح العقیده الطحاویة ابن ابو العز (دو جلد) را می توان از محصولات این دوره نام برد.

رفتن شعیب الارنؤوط و همچنین البانی به اردن انگیزه زیادی برای احیای علوم حدیث در این کشور ایجاد کرده. فرصت مهمی برای اساتید دانشگاه و محققین پیش آمد و افراد زیادی در نزد وی آموزش دیده اند. برخی از نام هایی که مدت ها با او کار کرده اند عبارتند از: عادل مرشد، عمر حسن القیام، احمد عبدالله، عبدالطیف حرزالله، دکتر احمد برهوم، دکتر کامل کارابلی، دکتر حمزه بکری، دکتر ابوالعالیه محمد بن یوسف الجورانی، زیاد عواد، شادی محسن عواد الشیباب و غیره. به واسطه ارنؤوط اینها و بسیاری دیگر استعداد به خودی خود تحقیق نمودن را به دست آوردند. پس از آن، آنها دائماً از استاد خویش در مطالعات مستقل خود ابراز قدردانی کردند.

استقامت در مطالعه

استاد ارنؤوط که هر روز صبح به جز جمعه ها ساعت هشت به دفترش می آمد و ساعت دو بعد از ظهر می رفت، حداقل دو روز در هفته، عصرها با گروه های مختلف کتاب می خواند. این را زکات علم می دانست. هرگز درخواست کمک کسانی را که شخصاً و یا تلفنی به او مراجعه می کردند رد نمی کرد. به دلیل بیماری آلزایمر و به سختی راه رفتن، در سال های آخر عمر خود توانایی مطالعه را تا جایی از دست داد، اما همچنان در خانه به کمک شاگردانش و کسانی که به او مراجعه می کردند، ادامه داد.

روش مطالعه

راز موفقیت او در ایجاد چنین کتاب های جامع، پشتکار و کار گروهی او بود. مطالعات خود را همراه با کارشناسانی که در زمینه تحقیق تربیت کرده بود در دفتر خود انجام می داد. ابتدا اثر مورد مطالعه مشخص می شد و سپس با جستجوی کتابخانه های سراسر جهان سعی می شد قدیمی ترین و قوی ترین نسخه های کتاب مربوطه به دست آید. سپس اینها مرحله به مرحله بین تیم توزیع می گردید و همه با جدیت بخشی را که بر عهده گرفتند آماده می کردند.

در حین انجام این کار، به پنج چیز اهمیت زیادی داده می شد. ۱. درک صحیح عبارات. ۲. شناسایی منابع مأخذ و احادیث در متون. ۳. توضیح جاهایی که نیاز به تبصره دارند و در مواقع لزوم مورد نقد قرار دادن. ۴. تعیین وضعیت روایان. ۵. تصمیم گیری در مورد صحت احادیث که خود او این کار را انجام می داد.

در این جا لازم به ذکر است که استاد شعيب تقريباً تمام وقت خود را صرف مطالعات کرد و دعوت به کنفرانس و فعالیت مشابه از سراسر جهان را رد می کرد. وی تا حد امکان از انجام این گونه فعالیت ها دوری می جست و می گفت: پروژه هایی دارم باید تکمیل شوند. عمر او بین خانه و دفترش گذشت و حاصل آن میراث بزرگی بود که برای امت به جا گذاشت.

آخرین اثر، پروژه های ناتمام وی

آخرین اثر ارنؤوط، فتح الباری ابن حجر است که در بیست و شش جلد منتشر شده است. این اثر با سایر نسخه ها با مزایای فراوانی که دارد از جمله دادن حرکت برای کلماتی که سخت خوان استند و ذکر منابع در حاشیه برای روایاتی که در شرح ذکر شده اند، متفاوت است.

المستدرک حکیم همراه با الجامع الصحیح بر اساس قوی ترین نسخه ها: تحقیق صحیح بخاری هنوز توسط شاگردان وی که رهنمایی آنها را بر عهده داشت، انجام می شود. هدف اصلی او که آرزوی اتمامش را داشت اما نتوانست آن را تکمیل کند، کتاب حدیث دایرة المعارفی بود که در آن احادیث صحیح و حسن را جمع آوری کند. از آنجا که تقریباً تمام کتب حدیث اساسی را مطالعه کرده بود، عزم داشت تا آنها را گردآوری کند. وی می گفت: تعداد احادیث صحیح و حسن ما در حدود ۲۵۰۰۰ حدیث است و چنین یک اثر به عنوان منبعی که همگان می توانند به آن مراجعه کنند خدمت بزرگی به مسلمانان ارائه می کند.

نکات برجسته آثار وی

وقتی تحقیقات استاد ارنؤوط بررسی می شود، بعضی از جنبه ها جلب توجه می کند.

۱. موفقیت در خواندن نسخه های دست نویس، خطاهای خواندن را به سطح هیچ کاهش داده است. همچنین نشان دادن عبارات اشتباه در متون را که در اصل باید چگونه باید باشند، نیز مهم است.
۲. در اغلب آثار تحقیقی، عبارات مناسب برای توضیح یا قابل بحث معمولاً تدقیق شده و بر آن پرداخته نمی شود. تحقیق های استاد شعیب متفاوت است. در مورد مطالبی که نیاز به توضیح دارد، هرچند مختصر هم باشد، به خواننده معلومات می دهد و مواردی را که با آنها مخالف است نقد می کند.
۳. از مهمترین مزایای آثار او این است که میزان صحت احادیثی را که تخریب کرده مشخص می سازد. تحقیقات گسترده اش، به او این فرصت را می داد که وی به واسطه آن می توانست روایان و روایات را به خوبی بشناسد. تعداد احادیثی که ایشان از نظر صحت، ضعیف می دانست، اصلاً کم نیستند. روایات مسند احمد بن حنبل را که وضعیت صحت هر یک را بیان می دارد به شش دسته تقسیم می کند: الف) صحیح لذاته. ب) صحیح لغیره. ج) حسن لذاته. د) حسن لغیره. ه) کمتر ضعیف. ز) بسیار ضعیف نزدیک به درجه موضوعی.
- تحریر تقریب را که همراه با بشار عواد معروف، بالای تقریب التهذیب ابن حجر نوشته کرده، در زمینه موضوع ما قابل توجه است. این اثر که به دلیل تضعیف اقتدار ابن حجر مورد انتقادهای فراوانی قرار گرفته است، دیدگاه او را به مسائل حدیث به خوبی منعکس می کند. نویسندگان در این کتاب بیان کرده اند که حدود ۲۰۰۰ مورد از قضاوت های ابن حجر در مورد روایان اشتباه بوده است. این انتقادهای در جهان عرب غیرعادی است.
- برخی از مسائلی که وی در مقدمه اثر ذکر کرده است نشان می دهد که شعیب الارنؤوط به کتاب های کلاسیک با چشم تسلیمی نگاه نمی کرده. او می گوید که در ابتدا متوجه نبود در ارزیابی های ابن حجر از روایان به سطح شگفت انگیز تعارض وجود دارد، اما بعداً به این نتیجه رسید که ابن حجر در مورد وضعیت روایان این اثر، به ویژه در مورد کسانی که بر آن ها اختلاف نظر وجود دارد تحقیق کافی انجام نداده است. ارنؤوط چنین اظهار نظر می کند: در نهایت احکام غیر قطعی و اجتهادی کتاب، مورد انتقاد سایر علما قرار نگرفته تعجب می کند و این امر را به دو دلیل عمده نسبت می دهد:
۱. به دلیل شهرت زیاد ابن حجر، نظرات او به اندازه کافی مورد بحث قرار نگرفت. ۲. راه آسان را در پیش گرفته و معلومات موجود را کافی شمرده، هیچ مراجعه ی به آثار دیگر نشده است.

روشی که او در فقه و مسائل اعتقادی اتخاذ کرده

شعيب الارنؤوط در هر مناسبتی با افتخار می گفت که از پیروان مذهب حنفیه است. به همین دلیل در جغرافیای عرب از وی فاصله گرفته می شد. اما حنفی بودن او بسیار بالاتر از سویه مقلدیت بوده. در نتیجه شناخت عمیق او از چهار مذهب و نص، مواردی که به اجتهاد خود فتوا می داد بسیار بود. انتقادات او در مورد مذاهب دیگر کمتر نبود. در مسائل اعتقادی، عمدتاً رویکردهای دانشمندان سلف را می پذیرفت.

روابطش با البانی

ردیه های که ارنؤوط و البانی در مورد صحت برخی از احادیث و مسائل فقهی متقابلاً به یکدیگر راجع می کردند، مشهور است. به همین دلیل وقتی از البانی یاد می شود ارنؤوط و وقتی از ارنؤوط یاد می شود البانی به ذهن می آید. جالب اینجاست که این دو عالم بزرگ که بر جهان عرب به ویژه در زمینه حدیث تأثیر گذاشته اند، عرب نبودند. علاوه بر این، آنها هر دو اهل اسکودر هستند. هر دو ابتدا در دمشق و سپس در عمان زندگی کردند و در اینجا وفات نمودند.

دیدگاهش به ترک ها

جدا از اینکه استاد بزرگی است و همه می توانند از آثارش بهره ببرند، برای مردم کشورمان {ترکیه} معنای بسیار خاصی دارد. زیرا از اواسط قرن گذشته کسانی که برای تحصیل علوم اسلامی از ترکیه به سوریه رفتند شاگردان صالح فرفور و شاگردش شعيب الارنؤوط بودند. پس از مهاجرتش به اردن، وضعیت تغییر نکرد. کسانی که برای مدت کوتاهی می آمدند حتماً به دیدارش می رفتند و کسانی که مدت زیادی می ماندند درس های او را دنبال می کردند. آنها از دانش وسیعش برای پایان نامه ها و تحقیقات دیگر استفاده می کردند. به همین دلیل ما مسافر راه علم را سراغ نداریم که به اردن رفته و از استاد شعيب بهره نبرده باشد. علاوه بر این، همچنین محبت بسیار متفاوتی نسبت به ترک ها داشت. وقتی از عثمانی ها یا فاتح یاد می شد، اشک از چشمانش سرازیر می شد. از آنجایی که ما نوه های اجداد بزرگی هستیم، تمام تلاش خود را برای خدمتگزاری برای ما می کرد.

او می گفت بالکان به برکت پدر بزرگ های شما {ترک ها} به اسلام مشرف شده و این نعمت برای شان یک وظیفه سپرده است. به همین دلیل او هرگز درخواست آموزش دانشجویان و استادانی را که از کشور ما بیرون می رفتند، رد نمی کرد. از کتاب هایش به بسیاری از شاگردانش هدیه می داد و به کسانی که آن ها را با خود به کتاب فروشی ها می برد، کتاب می خرید و می گفت: «شاید در کشورتان پیدا نکنید، برای تربیت شما لازم است». شاگردانش که به آنها به کرایه شان کمک می کرد و هزینه برق و آب می پرداخت، کم نبودند. چون اصلاً به چیزهای دنیوی اهمیت

نمی داد. یکی از مهمترین مسائل در نزد وی این بود که پیروان رسول خدا (ﷺ) به بهترین وجه به کمال برسند. به همین دلیل از انفاق در راه علم و معرفت عقب نمی ماند.

استاد ما که چندین بار به ترکیه آمده بود، در مراکز آموزشی ریاست امور دینی و دانشکده های هیات در ۹ استان کنفرانس برگزار کرد و با طلاب جوان دیدار نمود. دیدار با مشهورترین عالم حدیث جهان، مایه خوشحالی وصف ناپذیری برای آنها بود.

بعد از وفاتش

فرزندان او که مانند پدرانشان عاشق ترکیه هستند، کتابخانه استاد ما را از طریق ما به ترکیه اهدا کردند. محمد گورمز، رئیس امور دینی {ترکیه}، مناسب دید که کتابخانه در مرکز در انقره که توسط ریاست جمهوری افتتاح می شود، قرار داده شود.

حضرت پیامبر (ﷺ) در میان اعمالی که پس از مرگ نیز ادامه خواهد داشت، از «علم نافع» یاد می کند. شعیب الارنؤوط آثار زیادی از خود به جای گذاشته به آخرت هجرت کرد و به این مژده نایل شد. روحش شاد.